



معرفی کتاب دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار

دکتر علی نقی منزوی

مجله وحید، شماره ۲۶۰ و ۲۶۱، نیمه اول مرداد ۱۳۵۸، برگه ۷۷ - ۹۰

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر

۱.....	دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار.....
۱.....	معرفی کتاب دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار.....
۱.....	نادرستی‌های نوشتاری.....
۳.....	نقد مطالب.....
۳.....	جنبش پان‌اسلامیزم.....
۳.....	دفاع مؤلف از تسنن.....
۴.....	فصل اول.....
۵.....	مظاهر تفکیک مذهب از سیاست.....
۷.....	برداشت الگار از اصل تفکیک مذهب.....
۹.....	الف) اختلاف تشیع و تسنن.....
۱۰.....	ب) در جریان تاریخ اسلام.....
۱۰.....	ج) هنگام پیورش عرب.....
۲۰.....	کتاب‌نامه.....
۲۰.....	نمایه کتاب و مقاله.....
۲۵.....	کتاب‌نامه.....
۲۵.....	نمایه کتاب و مقاله.....

## دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار

دکتر علی‌نقی منزوی

مجله وحید، شماره ۲۶۰ و ۲۶۱، نیمه اول مرداد ۱۳۵۸، برگه ۷۷ - ۹۰

### معرفی کتاب دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار

یکی از سودمندترین کتبی که درباره تاریخ اجتماعی معاصر دو قرن اخیر کشور به تازگی پخش شده، این کتاب است، چون من از خواندن آن لذت برده‌ام و استفاده کرده‌ام بهترین ستایش از آن را در نقد آن دیدم، که گفته‌اند: ستایشی به از شمار پذیر نمودن عیب‌ها نیست!

### نادرستی‌های نوشتاری

۱- نخست شایسته است، چند غلط به اصطلاح لپی را یادآوری کنم تا وقت خوانندگان، مانند من، برای تصحیح آن به هدر نرود و سپس به نقد مطالب پردازم.

در این تصحیح با غلط‌های چاپی کاری ندارم؛ زیرا هر خواننده متوجه آن خواهد شد:

مؤلف محترم؛ یا ترجمان گرامی:

- شادروان معلم حبیب‌آبادی ما را که در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۵۵ درگذشت بیدآبادی کرده‌اند و این غلط در صفحات ۳۴، ۳۹، ۴۹، ۶۱ به مکرر ۷۱، ۱۵۰، ۱۵۷ به مکرر ۳۶۲ تکرار شده است.

آقا باقر بهبهانی (۱۱۱۷ - ۱۲۰۶) پسر محمد اکمل در برگه ۴۹ به نام بهبهانی و پس از آن به غلط، به صورت سید محمدباقر بهبهانی ذکر شده است، صفحات: ۵۵، ۶۲، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۴، ۲۳۱.

در صفحه ۷۲ در پاورقی ۴۷ سطری افزوده‌اند که هیچ‌گونه ارتباطی به مطلب ندارد و باید حذف شود.

صفحه ۱۱۳، سطر ۱۴ متهمان به کسر، به جای متهم‌کنندگان به کار برده است و این پیامد عرب‌زدگی است.

در صفحه ۱۲۶ سید مجاهد محمد بن علی اصفهانی (۱۱۸۰ - ۱۲۴۲) را به نام محمدعلی اصفهانی به نام سید محمد اصفهانی فرزند ارشد سید محمدباقر بهبهانی آورده، ولی در جاهای دیگر او را سید محمد اصفهانی خوانده که باز بهتر است. در صفحه ۱۷۷ سطر اول نامفهوم است و شاید با جابه‌جا کردن «که» تا اندازه‌ای مفهوم شود.

در صفحه ۲۰۴ پاورقی ۴۵ و صفحه ۲۶۶ پاورقی ۳۴ ترجمان در پاورقی به جملاتی از متن اشارت کرده است که در میان «دو ستاره» نهاده شده بوده است؛ لیکن ظاهراً هنگام چاپ دو ستاره فراموش شده و این پاورقی را زاید و باطل کرده است.

در صفحه ۲۲۸ نشان پاورقی ۵۳ به جای سطر ۱۹ نهاده شده، و در صفحه یک حادثه را که ۲۰ سال پس از چاپ کتاب المآثر و الآثار رخ داده، بدین کتاب نسبت داده است.

در صفحه ۲۳۳ «تجدید بست‌نشینی» مکرراً به صورت «تجدید بست‌نشینی» چاپ شده و معنی را معکوس نموده است.

در صفحه ۲۴۰ واژه «مکله» به جای «مجله» به کار رفته است و سبب آن خط من‌درآوردی<sup>۱</sup> ترک‌ها است، که مرا نیز یک بار دچار همین اشتباه کرد و از بی‌دقتی خودم شرمسار شدم.<sup>۲</sup> در ترکیه مجله را به جای *Majalle* به صورت *Macale* می‌نویسند. این عنوان نام قانون مدنی کشور عثمانی است که عربی آن را شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء به نام تحریر المجلة شرح کرده و در نجف به سال ۱۳۵۹ - ۱۳۶۲ در سه مجلد چاپ کرده است.

در صفحه ۲۵۱ سطر ۱۴ (عده‌ای به خانه اعتمادالسلطنه) درست است.

در صفحه ۲۶۶ سطر آخر (حمید محمدزاده) درست است، نه حامد.

در صفحه ۲۸۰ و ۲۸۸ «فال اسیری» شاید «مال امیری» باشد که از دهات اصفهان است.

در صفحه ۲۹۸ سطر ۱۲ «اقتباس» به جای «اقتدا» و پیروی، به کار رفته است و این پیامد عرب‌زدگی است.

در صفحه ۳۰۱ «یحتمل» به جای «محتمل است» به کار رفته است.

در صفحه ۳۲۲ سطر ۱ «به اتفاق سایر علما» درست است.

<sup>۱</sup> متن مقاله: من دراری.

<sup>۲</sup> متن مقاله: کرده بود.

در صفحه ۳۴۷ س ۸ «پس» به جای «پیش» به کار رفته است.

- بزرگترین عیب این چاپ، نداشتن فهرست نام‌های اشخاص، احزاب و روزنامه و کتاب‌ها و جاها می‌باشد.  
- اگر پشت جلد متن انگلیسی را در سمت نسخه فارسی چاپ می‌کردند، خواننده می‌توانست مطمئن شود که نام درست مؤلف همین «حامد الگار» است نه «حمید الجار».

## نقد مطالب

### جنبش پان اسلامیزم

۲- اینک نقد مطالب: پیش از هر چیزی، چنین به نظر می‌رسد که مؤلف محترم مانند یک دانشمند بی‌طرف، خواسته است درباره تاریخ اجتماعی ملتی جز ملت خود بررسی کند، کوشیده است تا مانند افراد آن ملت بیاندیشد و از دیدگاه ایشان قضاوت نماید و احساسات ملی و مذهبی آنان را در الفاظ رعایت نماید، ولی با آن که مؤلف ما این معنی را منظور می‌داشته، بازهم گاهی که به شدت تحت تأثیر سوابق ذهنی خود قرار گرفته از قلمش کلماتی ناخواسته تراوش کرده است. همان گونه که مؤلف به درستی فهمیده و بیان داشته است، جنبش «پان اسلامیزم» در ایران از آغاز به خوبی پذیرفته نشده و با پایان سده نوزدهم در ایران بدان خاتمه داده شد (برگه ۳۱۹)، ولی باز می‌بینیم که مؤلف با علاقه‌ای مخصوص از آن یاد می‌کند و از سنت‌گرایی برخی قشرها؛ یا افراد ایرانی، بدون توجه به این که این سنی‌گرایی خود را پیامدهای «پان اسلامیزم» است، به سختی دفاع می‌کند تا آن جا که گاهی با لحنی نزدیک به خشونت یک سنی دو آتش می‌گوید:  
به طور کلی علیه تشیع در قرن نوزدهم ایران اتهامات بدعت و شیفتگی زیاد را می‌توان وارد دانست (برگه ۲۲۵).

### دفاع مؤلف از تسنن

۲- دفاع مؤلف از تسنن؛ یا دست‌کم از سنت‌گرایی او را در این کتاب می‌توان به اشکال زیرین مشاهده کرد:  
الف) خلط و آمیزش مذهب با سیاست، این نظریه مخصوص سنیان است، ولی مؤلف با چنین عینک که بر چشم زده است می‌خواهد مسائل ملت شیعی ایران را تجزیه و تحلیل نماید؛

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۴

ب) عدم تفکیک حق الله از حق الناس؛ و شرعی به شمار آوردن همه مسائل و احکام، یعنی پوشانیدن لباس مذهب بر روی همه چیز.

ج) دفاع از پان اسلامیزم، بگذریم از کاربرد کرم الله وجهه که از نظر سنی کلمه حق ایراد بها الباطل و تحقیق در لباس مدح باشد.

## فصل اول

۳- در فصل اول: با این که مؤلف مقدمات را درست چیده، سبب را نادرست گرفته و پرسشی بدین گونه طرح کرده است: با در نظر گرفتن تعلیمات مذهبی شیعه در دو مورد:

الف) مرجعیت علما

ب) مشروعیت دولت، آیا کشمکش میان مقامات مذهبی و مقامات دولتی، از آن تعلیمات مذهبی سرچشمه گرفته؛ یا عاملی دیگر داشته است؟ (برگه ۵).

در پاسخ بدین پرسش، مؤلف با توجه به تمایل کنونی مذهب شیعه به عدم مداخله در امور سیاسی، پس از شدت عملی که شیعه در دوران اموی نشان می‌داده‌اند و بدون توجه به مسأله غیبت و حضور امام؛ و فرق میان آن دو زمان، یک حکم غیر منصفانه صادر کرده است که عقاید شیعه را معجونی از: «انکار حقانیت قدرت موجود» و «عدم تمایل به مخالفت» اعلام می‌دارد (برگه ۶).

**ولی واقع چنین است که:** مذهب شیعه در زمان غیبت حق الله را از حق الناس جدا ساخته و وظایف روحانیان را منحصر به حق الله کرده است. حل و فصل مسائل مربوط به حق الناس را به ریش سفیدان محلی (حکم عرف و عادت) فراگذاشته است.

ریش سفیدان غیر از داورانی که طرف دعوا قبول میکردند، غالباً همان دولت‌ها؛ یا نمایندگان دولت‌ها می‌بودند که در دوران حکومت خلفا، دولت جائر خوانده می‌شدند.

دکتر علی نقی  
نیم‌سنوی

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۵

روابط مردم با دولت موجود، از نظر مالیات و اجرای مقررات عمومی در کتاب‌هایی به نام خراجیه (ذریعه، ج ۷، ۱۴۴) و همم الثواقب (ذریعه، ج ۲۵، ۲۴۳، شماره ۴۹۷)<sup>۱</sup> که در دوران صفوی تألیف شده‌اند و کتبی مانند الجامع الناصري (ذریعه، ج ۵، ۷۵) و عقائد المسلمین (ذریعه، ج ۱۵، ۲۸۵) از تألیفات دوران قاجار معین شده است.

### مظاهر تفکیک مذهب از سیاست

۴- یکی از مظاهر تفکیک مذهب از سیاست را در مذهب شیعه در دوران غیبت می‌توان در متوقف‌الاجرا دانستن چهارم حکم سیاسی مشاهده نمود:

الف) جهاد؛

ب) قضاء؛

ج) حدود؛

د) نمازهای سیاسی.

اجرای این چهار حکم از نظر سیاسی بودن آن‌ها مشروط به حضور امام می‌باشد؛ بنابراین، در زمان غیبت امام متوقف می‌مانند. این مسأله یکی از موارد اختلاف آشکار میان فقه شیعه با فقه سنی بوده و هست و از قرن چهارم و پنجم در اصول چهارگانه شیعه منعکس است.

سُنیان که تا روز سقوط خلافت عثمانی در استانبول ۱۹۲۳ اصل تفکیک سیاست از مذهب را قبول نداشته‌اند، همه احکام سیاسی را موبه‌مو اجرا می‌کرده؛ و یا دست‌کم مدعی اجرای آن می‌بودند، از بزرگترین ایرادهای سُنیان علیه شیعه یکی همین مسأله می‌بوده است که در الفرق بین الفرق بغدادی ۴۳۹ق و مقالات الاسلامیین اشعری ۳۳۰ق مکرر دیده می‌شود و شیخ طوسی ۴۶۰م و دیگران نیز در هر یک از باب‌های فقه درباره این چهار حکم مشروط بودن اجرای آن‌ها را به زمان حضور امام تصریح کرده‌اند.

<sup>۱</sup> همم الثواقب (ذریعه، ج ۲۵، ۲۴۳، شماره ۴۹۷)، زین‌الدین علی‌نقی کمره‌ای (د: ۱۰۶۰ق).

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۶

در مورد احکام مرکب که جنبه حق الله و حق الناس در آن‌ها ترکیب شده است آن‌ها را از یکدیگر تفکیک می‌کردند، مثلاً هنگامی که یک سرقت / دزدی رخ می‌داد، جنبه حق الله که اجرای حد قطع ید سارق باشد متوقف‌الاجرا می‌ماند و جنبه حق الناس آن که باز گردانیدن مال مسروق است، به ریش سفیدی از ریش سفیدان محلی (محکمه عرف) واگذار می‌شده است که ممکن بود با داوری منتخب الطرفین که غالباً روحانی محل؛ یا نماینده حکمران صورت می‌گرفت، حل گردد، پس اجرای حدود شرعی (کیفرهای بدنی)، مانند سه حکم سیاسی دیگر در زمان غیبت در میان تمام شیعیان جهان متوقف‌الاجرا بوده است.

حال اگر در زمانی یک؛ یا دو فتوادل یافت شده‌اند که اتفاقاً در اثر باسواد بودن مقام روحانیت را هم اشغال کرده بوده‌اند و خواسته‌اند حدود را بر طبق اجتهاد خود اجرا کنند، این مسأله استثنایی است و نمی‌تواند ملاک حکم مذهبی برای شیعیان قرار گیرد. رساله اجتهادی که وی در این باره نگاشته است برای مجتهدان دیگر حجت نیست.<sup>۱</sup>

هم‌چنین حکم نمازهای سیاسی آدینه و عیدین که با ترتیب خاصی و بستن شمشیر توأم است و از سال ۲۶۰ هجری تا پایان دوره نخست حکومت صفوی متوقف‌الاجرا بوده است و تنها پس از قیام شاه عباس و کشتار فیلسوفان در قزوین به سال ۱۰۰۲ و انتقال پایتخت از آن جا به اصفهان و برای دفع اتهام الحاد که سنیان استانبول بر شیعیان وارد می‌کردند و ایشان را بی‌نماز و ملحد می‌خواندند، دستور برقراری منصب امام جمعگی صادر شد و نماز آدینه برقرار گردید، با این که آن را به صورت مستحب مذهبی، نه واجب سیاسی اجرا کردند، باز هم مورد اعتراض فقیهان درست کار شیعه قرار گرفته و بیش از یک صد رساله درباره آن، نفیاً و اثباتاً نگاشته آمد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۲۵، ۳۱، شماره ۱۴۳: (۱۴۳)؛ وجوب إقامة الحدود الشرعية زمن الغيبة علی المجتهد، سید محمدباقر فرزند محمد تقی گیلانی شفتی اصفهانی (د: ۱۲۶۰ق) با آواز حجة الإسلام است.

<sup>۲</sup> الذریعة، ج ۱۵، ۶۲ - ۸۲.



## برداشت الگار از اصل تفکیک مذهب

**۵- برداشتی که آقای الگار مؤلف محترم از اصل تفکیک مذهب از سیاست کرده است و آن را به صورت معجون متناقض، مرکب از دو حکم زیرین درآورده است:**

الف) عدم ضرورت هیچ گونه اقدام برای اصلاح سیاسی.

ب) کامل نبودن رژیم زیر سایه عدم حقانیت که برداشتی کاملاً نادرست است؛ زیرا هر فرد شیعی، خواه روحانی باشد و خواه نباشد، مانند هر انسان دیگر هیچ رژیم حتی رژیم سوئد و سویس را کامل مطلق نمی داند و وظیفه انسانی (نه مذهبی) خود می داند که در راه تکامل آن بکوشد. هرگاه یک روحانی شیعی دست به کار سیاسی زد، او نیز به عنوان یک فرد معمولی اقدام می کند نه به عنوان نمایندگی مذهب و از این رو، بسیار شده که روحانیان شیعی را در دو قطب مخالف سیاسی می یابیم و هیچ کدام دیگری را تکفیر نمی کنند، چنان که یکی سلطنت طلب و دیگری جمهوری خواه است. ایشان با یکدیگر می جنگند، ولی این جنگ سیاسی است نه مذهبی؛ زیرا که مذهب شیعه هیچ یک را ترجیح نمی دهد و درباره آن حکمی ندارد. این عقل افراد است که ایشان را به جانبداری از این؛ یا آن وادار می کند؛ البته ممکن است رهبران هر یک از دو قطب سیاسی از نظر قشر مردم راه خود را مذهبی و طرف مقابل را لامذهبی جلوه دهد، ولی این رفتار آنان نیز نمی تواند حکم مذهبی بسازد.

**۶- آقای الگار می گوید:** حدود قضاوت های عرف و شرع مشخص نبوده است (برگه ۱۹) این سخن او نیز نادرست است. فقیه با عنوان فقهت مذهبی تنها به حق الله می پرداخته است و حق الناس در محکمه عرف و با احکام عرفی حل و فصل می گردیده است. اگر دیده می شود که در دوران ضعف دولت های مرکزی محکمه هایی به نام محاکم شرع به مسائل حقوقی هم رسیدگی می کرده است، باید متوجه بود که آنان نیز حکم را نیز با استناد بر ادله عرفی و تشخیص عرف صادر می کرده اند. همه احکام مندرج در اخبار و احادیث همگی از منبع عرف سیراب می شده اند، نه به عنوان حکم آسمانی.

**آقای الگار می گوید:** فرقه شیعه حقانیت قدرت دنیوی را انکار کرده است (برگه ۲۱) این سخن به طور مطلق نادرست می باشد؛ زیرا که صفت غاصبانه بودن حکومت خلفا، فقط به زمان حضور امام، یعنی تا سال ۲۶۰ ق مربوط است و هرگاه بتوان در مورد مدعیان خلافت دروغین صفت دولت جائز به کار برد، باز به حکومت های سنی به استانبول تا سال ۱۹۲۳ منحصر

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۸

خواهد بود، پس هیچ گاه شامل حکومت‌هایی که صفت مذهبی به خود نمی‌دادند، مخصوصاً آنان که خود را شیعی مذهب می‌دانستند، مانند آل بویه، برخی از ایلخانیان، سربداران و . . . نخواهد بود.

هم‌چنین شامل حکومت‌هایی که امروزه به درست؛ یا نادرست خود را منتخب مردم می‌شمرند، نخواهد بود. نمایندگان مردم ایران اعم از روحانیون و غیر روحانی به سال ۱۳۲۴ ق در مجلس مؤسسان اول گرد آمده یک مرکز واحد برای همه ریش سفیدان کشور برگزیدند و اختیارات قضایی را که طبق مذهب شیعه در حال حضور امام مخصوص او و نمایندگان او است و در حال غیبت امام با ریش سفیدان و محاکم عرف پراکنده در دهات بوده است در یک سازمان به نام دادگستری، متمرکز ساختند.

**۸- آقای الگار** با این که اعتراف دارد که در دوره صفوی کسی حقانیت دولت را انکار نمی‌نموده، باز می‌گوید: تکامل فقه بعد از ایشان نقش مجتهد را تثبیت کرد (برگه ۳۱).

**در این جا باید پرسید:** اگر مقصود ایجاد نقش سیاسی برای مجتهد باشد که در اثر بی‌لیاقتی دولت‌ها به خود اجازه چنان مداخله داده باشند، پس جنبه مذهبی نداشته، بلکه یک نوع هرج و مرج سیاسی بوده است.

و اگر مقصود تثبیت رهبری در بیان حق الله باشد، پس آن حق ایشان است و دولت نباید در آن مداخله کند؛ البته در این صورت نیز هر فرد روحانی می‌تواند، مانند فرد غیر روحانی در سیاست نظر دهد و مداخله کند و هرگاه در اثر لیاقت به مقام رهبری رسید، رهبری او رهبری ملی است نه رهبری مذهبی و چون طبیعتاً رهبری هر نهضت با افراد با سواد آن است، در ایران نیز پیش از تأسیس دارالفنون؛ یا جداسدن علم و دانشگاه از روحانیت و مسجد، رهبری بیشتر نهضت‌ها به دست روحانیان می‌بود، چون باسواد بودند.

قیام‌هایی که آقای الگار نشان داده که رهبری آن‌ها به دست روحانیان بوده، بسته به وضع طبقاتی آن‌ها، به دو دسته تقسیم می‌شوند، آن‌ها که از طرف فتوادل‌های اصفهان، قزوین و تهران رهبری شده است عقب‌گرا و ضد گسترش فرهنگ و

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۹

تمدن، ضد راه آهن و صنعتی کردن کشور بودند و<sup>۱</sup> علیه جنبه‌های مثبت شاهان قاجار می‌جنگیدند و آنان را نمی‌توان پیشرو و آزادی‌خواه نامید.

۹- مؤلف می‌گوید: تمایلاتی که ذاتی سلطنت شیعه است در دوران قاجار حدت یافت و با عوامل دیگر که از دنیای خارج آمده بود ترکیب شد و کشمکش میان علماء و دولت را پدید آورد (برگه ۳۷).

باید گفت: شیعه در زمان غیبت هم چون یک مذهب، نه سلطنت طلب است نه جمهوری خواه. مردم ایران در جریان تاریخ در کنار باقی ملت‌های خاورمیانه با اندیشه‌های نوین اروپا آشنا شدند و نهضت‌هایی گوناگون پدید آوردند.

پیدا است که این نهضت‌ها در کشورهای سنی رنگ تسنن داشت و در کشور شیعی رنگ تشیع، چنان که در میان مسیحیان رنگ ظاهری مسیحی می‌داشت، ولی<sup>۲</sup> معلوم نیست آقای الگار از این تمایلات ذاتی سلطنت شیعه، چه منظور داشته است؟ و در کجای مذهب شیعه سلطنت‌طلبی سراغ دارد؟

۱۰- آقای الگار در بخش صفوی کتاب (برگه ۳۷ - ۴۲) ایشان را طلّیعه تشیع ایران نامیده (برگه ۴۲) که پس از قرن‌ها تسلط تسنن پدید آمده (برگه ۳۸) و بی‌توجه به فرق دو رژیم صفوی پیش از سال ۱۰۰۲ و پس از آن، علت ضعف و سقوط صفویان را تشیع تند و مبارزه ایشان با تسنن و تصوف برشمرده است (برگه ۴۱ - ۴۲). من برای توضیح مطلب باید چند نکته را به پا کنم:

### الف) اختلاف تشیع و تسنن

الف) اختلاف تشیع و تسنن دو جنبه سیاسی و فلسفی دارد. اختلاف سیاسی در اشخاص جانشین پیغمبر و نوع انتخاب؛ یا انتصاب او است که آیا باید علی باشد به انتصاب خدایی؛ یا ابوبکر به انتخاب سران قریش؟ اختلاف فلسفی ایشان در مسائلی هم‌چون: توحید اشرافی است؛ یا عددی؟ بشر مختار است؛ یا مجبور؟ حُسن و قُبْح عقلی است؛ یا شرعی؟ فیض الاهی پس از مرگ محمد ادامه دارد؛ یا قطع می‌شود؟ و مانند این مسائل است که در هر یک تای اول آن اندیشه خردگرا او

<sup>۱</sup> متن مقاله: - بودند و.

<sup>۲</sup> متن مقاله: - ولی.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۰

گنوسیزم هندوایرانی و مورد قبول شیعه و معتزله و تائید دوم آن اندیشه یهود فلسطینی قبل از اسلام و مورد اعتقاد سنیان است که مذهب رسمی خلفای عرب بوده است.

### ب) در جریان تاریخ اسلام

ب) در جریان تاریخ اسلام هر چه به پیش برویم، جنبه سیاسی اختلاف ضعیف و جنبه فلسفی آن قوی تر می نماید و هر چه به پایین بیاییم به عکس می شود. تا در دوره دوم صفوی از سال ۱۰۰۲ به بعد جنبه فلسفی اختلاف به کلی مسکوت؛ یا تحت الشعاع قرار داده می شود و جنبه سیاسی آن به صورت (جنگ علی و عمر) تشدید می گردد.

### ج) هنگام یورش عرب

ج) هنگام یورش عرب بر ایران مردم ساکن در شرق فرات تا رود سند اسلام را به صورت گنوسیستی آن که با اندیشه آباء و اجدادی ایشان سازگارتر می بود، پذیرفتند و با شکل سنی حکومتی آن همواره مبارزه می کرده اند.<sup>۱</sup> مبارزه ایدئولوژیک با فلسفه مذهبی خلفای عرب، مردم شرق فرات را به سوی مخالفان سیاسی خلفا کشانید و جنبه سیاسی تشیع پدید آمد؛ بنابراین، توضیح، هیچ گاه مذهب سنی حاکم عربی، مورد قبول توده های مردم ایران واقع نشده بوده است تا صفویان طلیعه تشیع نامیده شوند.

و اگر مقصود مؤلف طلیعه حکومت شیعی باشد، باز هم وجود حکومت های آل بویه، برخی ایلخانان و سربداران طلیعه بودن را از آنان سلب می کند، پس اگر قیام شاه عباس را طلیعه تسنن بنامیم، شاید به حقیقت نزدیک تر باشد؛ زیرا چنان که تاریخ نشان می دهد: رژیم صفوی در پیدایش خود از گنوسیزم و عرفان که ایدئولوژی همه ایرانیان می بود، استفاده کرده، آن را مذهب رسمی قرار داد و به همین سبب توانست بی مقاومت چشم گیر به سال ۹۰۵ ق مورد قبول همه ملت ایران قرار گیرد؛

<sup>۱</sup> مجله یغما، سال ۳۰، شماره ۱، فروردین ۲۵۳۶، ربیع الاول - ربیع الثانی ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴. شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱)، منزوی. مجله یغما، سال ۳۰، شماره ۹، آبان ۲۵۳۶، ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱، شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۲)، علی نقی منزوی.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۱

البته عشایر ترک و ترکمن سنی که در دوران عباسی با کمک خلفای بغداد به ایران مهاجرت کرده بودند، مقاومت‌هایی رخ داد، ولی نه به قدری که مؤرخان آن را بزرگ جلوه دادند.

به هر حال در عهد صفوی مردم آریایی شرق ایران از غرب ایران گنوسیست‌تر و ضد سنی بودند و از نظر سیاسی هم دلی خوش از خلفای عرب به یاد نداشتند. سنی شدن بعدی ایشان واکنشی بود در برابر روش دولت صفوی در دوره دوم که از سال ۱۰۰۲ق به بعد با تأکید بر تشیع سیاسی، به مبارزه با تشیع پرداختند، یعنی گنوسیزم را که ایدئولوژی پدران همه آریاهای شرق و غرب ایران بود، کوبیدند.

این رفتار صفویان در دوره دوم حکومتشان نه تنها گنوسیست‌های آریایی شرق ایران را نیز به سنت‌گرایی انداخت، و در داخل ایران کوچک نیز می‌توان آن را نخستین گام در جدایی مذهبی میان دولت و ملت به شمار آورد.

شاه عباس در ۱۰۰۲ق مکتب‌های فلسفه و عرفان را در قزوین نابود ساخت، پایتخت را از آن جا به اصفهان برد و سیاست مذهبی را به دست مشتی قشری سنت‌گرا سپرد تا در مسابقه ریای مذهب از سنیان استانبول عقب نماند. این رفتار که حقیقتاً باید طلیعه سنت‌گرایی در ایران نامیده شود، هر چند حربه اتهام الحاد را که ترکان سنی استانبول بر ایران وارد کردند، کند کرد؛ لیکن علت وجودی استقلال ایران را نیز در برابر دستگاه پر زرق و برق خلافت اسلامی، در تاریکی نهاد.

اگر ریای مذهبی بهتر از مذهب عرفانی است، پس چرا باید ایران از مرکز مذهب (استانبول) جدا نماند؟ هر چه این روش دوران دوم صفوی گسترش بیشتر می‌یافت، دولت ایران سست پایه‌تر می‌گردید، تا به دست مشتی افغانی سنی‌نما (گنوسیست‌هایی که خیال می‌کردند، سنی هستند، سرنگون شد و نذر قلی ترکمن مذهب شیعه را از مقام یک نهضت روشنفکرانه جهان اسلام پایین آورد و به صورت یکی از پنج مذهب فقهی قشری سنی اعلام نمود، هر چند ملت ایران که هزار سال در برابر تسنن خلفای عرب مقاومت کرده بود به نادر مهلت اجرای نقشه را نداد، ولی مسابقه قشری‌بازی میان استانبول و اصفهان و سپس تهران هم‌چنان ادامه یافت و موجبات جدایی ملت از دولت روز به روز افزایش یافت.

۱۱- آقای الگار می‌گوید: لحظه واقعاً بحرانی برای شیعه در ایران انتقال از یک جامعه صرفاً مذهبی به یک دولت ملی بود، نه یک حکومت به ظاهر مشروطه.

دکتر علی نقی نیشزوی

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۲

**سپس او می‌افزاید:** بی‌علاقگی مذهب شیعه به نقش دولت از رهگذر انتظار مهدی است - سپس در پاورقی شماره ۱۰ نمونه آن بی‌علاقگی را در ترک نماز آدینه نشان می‌دهد. (برگه ۴۰).

**چنان که در (بند ۴) گذشت:** شیعه آگاهانه مذهب را از سیاست جدا نموده است، ترک نماز جمعه نیز مانند سایر احکام سیاسی نه از روی بی‌علاقگی؛ بلکه از روی علاقه کامل آن به تفکیک است و از سده یازدهم که جسته گریخته نماز جمعه را اجرا کرده پس از حذف مظاهر سیاسی آن، مانند بستن شمشیر، آن را هم به عنوان عبادتی مستحب مذهبی محض، اجرا می‌کنند، نه به عنوان یک واجب سیاسی.

و این که آقای الگار انتقال جامعه ایران را به یک دولت ملی، موجب بحرانی در تشیع می‌شمرد، ناشی از همان بی‌توجهی او به فرق میان دو حالت حضور و غیبت امام است.

**(بند ۳) مؤلف می‌پندارد** که شیعه در نظر دارد<sup>۱</sup> فلسفه سیاسی سه قرن اول خود (حالت حضور) را در قرن بیستم (حال غیبت امام) پیاده کنند.

**لذا می‌گوید:** پذیرفته شدن مشروطه بی‌مقاومت شیعیانی که حاکمی جز یک تن معصوم را قبول ندارند، به سبب ظاهری و پوچ بودن مشروطه ایران بوده است، پس هرگاه حکومت ملی واقعی روی کار آید، مذهب تشیع با بحران روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا باید یا از عقیده دست بکشد و یا قیام کند، ولی ما در بندهای گذشته دیدیم که فلسفه سیاسی سه قرن اول شیعه نظری محض است، مذهب شیعه در دوران غیبت، شکلی خاص برای رهبری جامعه پیشنهاد نمی‌کند و در نتیجه هیچ نظری خاص به هیچ یک از گروه‌های متقابل سیاسی ندارد و جز کلیاتی، هم‌چون هر کدام بیشتر به نفع جامعه‌اند بهتراند، توصیه نمی‌کند، پس این مردم هستند که باید تشخیص دهند که کدام گروه سیاسی بیشتر به سود جامعه هستند.

آری برخلاف گفته آقای مؤلف مردم شیعه حکومت به ظاهر مشروطه را بر استبداد ترجیح می‌دهند و مشروطه واقعی را نیز از ظاهری برتر می‌شمردند و هیچ بحرانی هم مذهب شیعه را حتی با روی کار آمدن ملی‌ترین شیوه‌های حکومت، تهدید نمی‌کند.

<sup>۱</sup> متن مقاله: دارند.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۳

۱۲- آقای الگار می‌گوید: میر محمدحسین پسر بزرگ مجلسی مقام او را احراز کرد (برگه ۴۱).

باید گفت: میر محمدحسین پسر میرمحمد صالح بن عبدالواسع خاتون‌آبادی صاحب مناقب الفضلاء است (ذریعه، ج ۲۲، ۳۳۳) او پسر دختر مجلسی بود و پس از مرگ پدرش «ملاباشی» شد. پدرش صالح داماد و جانشین مجلسی بوده است. لکه‌هات نیز محمد حسین را به غلط جانشین مجلسی شمرده است<sup>۱</sup>؛ لیکن مؤلف ما غلطی بر لکه‌هات افزوده او را پسر مجلسی هم خوانده است.

۱۳- در (برگه ۵۲ - ۵۶) آقای الگار مخالفت با تصوف را از طرف علمای شیعه قلمداد می‌کند، ولی تاریخ نشان می‌دهد که قیام شاه عباس در ۱۰۰۲ ق و کشتار فلاسفه قزوین، جنگ «صوفی - فقیه» را به راه انداخت، اختلاف بهایی و داماد، دربدری ملاصدرا، ویران کردن خانقاه فیض، بازگشت به ترجیح عربی نویسی بر فارسی نویسی، سبک کردن و تحقیر قهرمانان ملی ایران، مانند ابومسلم و تألیف ۱۸ رساله ضد ابومسلم (ذریعه ۴: ۱۵۰)، تهیه رساله ضد تصوف و داخل کردن آن در میان کتاب اردستانی و نسبت دادن آن به محقق اردبیلی عارف قرن دهم (ذریعه ۶: ۲۸۶، ۱۰: ۲۰۵، ۲۴: ۳۸۸) و وارد کردن مجلسی به انکار کتابی که پدرش مجلسی اول در دفاع از تصوف نگاشته بود (ذریعه ۴: ۴۹۵ - ۴۹۸) همه اینها پیامدهای سیاسی قیام شاه عباس بوده است.

این سنت‌گرایی مورد اعتراض علماء نیز واقع شده است<sup>۲</sup>.

این روش سیاسی عهد دوم صفوی هم چنان که در (بند ۱۱) گذشت، سبب وجودی استقلال ایران را سست کرد؛ زیرا که به قول سید حیدر آملی: تصوف باطن تشیع و تشیع ظاهر تصوف است<sup>۳</sup>، پس سقوط اصفهان به سبب نزدیک شدن به سنیان بود، نه دوری از آن‌ها چنان که الگار می‌پندارد.

<sup>۱</sup> انقراض صفویه، لارنس لکه‌هات، برگه ۸۲.

<sup>۲</sup> الذریعه، ج ۲۵، ۲۴۳.

<sup>۳</sup> الحقایق الراهنه، آقابزرگ تهرانی، ۶۸.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۴

۱۴- مؤلف می‌گوید: از جمله تناقضات شیخی‌گری به کاربرد اصطلاحات صوفیان همراه با انکار شدید تصوف است (ص ۹۷).

این تناقض قابل انکار نیست، ولی باید دلیل آن را در سابقه هزار ساله آن یافت، چه بسیار رخ می‌داده که فشار مذهب سنی دولت خلفاء، مردم را مجبور می‌نموده است که با ناسزاگویی و تبری از گذشتگان خود، ایدئولوژی پدران خود را نگاه‌داری کنند؛ یا با اندک عقب‌نشینی صورت آن را تغییر دهند:

- قدریان به همین منظور از مرجیان محکوم شده، جدا شدند و بدیشان ناسزا گفتند؛

- معتزلیان همین کار را با قدریان پس از محکوم شدن ایشان کردند؛

- اشعری نزدیک به این روش را درباره معتزله پیاده کرد؛

- شیعه آل‌بویه و اشعریان قم همین رفتار را با غلات شیعه انجام دادند<sup>۱</sup>.

هر یک از این گروه‌ها، سخن پیشینیان خود را با اندکی تغییر به نفع سنیان حاکم، گرفتند و اندیشه اصیل و فراموش شده اسلامی نامیدند، چنان که در عصر ما نیز صادرات آشکار اروپایی را محصولات اندیشه و تمدن فراموش شده اسلامی می‌خوانند.

آری احمد احسایی که پس از دو قرن محکومیت صوفیان پدید آمد، ناچار بود سخنان ایشان را با تبری از گویندگانش تکرار کند.

این کشاکش میان دو اندیشه متضاد گنوسیزم ایرانی و تسنن عربی در همه ۱۴ قرن دیده می‌شود.

دکتر علی نقی  
نیم‌سنوی

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۲۴، ۳۲۲.



دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۵

غزالی که در کتاب‌های خود فتوای اباحه جان و منال و ناموس باطنیان اسماعیلی، شیعی را داده است، ولی<sup>۱</sup> گنوسیزم ایشان را دربست وارد تسنن کرده است. غزالی از تسنن چیزی جز تبرئه و تطهیر خلفا باقی نگذارد، او تسنن سیاسی را برای حفظ منافع خلفای عرب نگاه داشت و تمام ایدئولوژی تسنن را یک جا دفن کرد<sup>۲</sup>.

دولت ایران در آغاز تماس با اروپا و تجدد، دچار پرسش‌های روشنفکرانه آشنایان با اروپا شده بود. آخوندهای اصفهان و قزوین در این زمان در اختیار فتودال‌ها بودند و میرغضبانه بدان سؤال‌ها پاسخ می‌دادند.

فتح‌علی شاه به دنبال آخوندی می‌گشت که بی‌فک و فامیل و بی‌آب و زمین و از علوم اجتماعی (فلسفه و تاریخ) بهره‌ای نداشته باشد تا بتواند با اندک عقب‌نشینی و بریدن سرشاخ‌های زیادی تنه اصل معتقدات را نیرومند سازد و پاسخی قانع‌کننده‌تر و منطقی‌تر برای روشن‌شدگان تهیه نماید، پس بهتر از آن شیخ بحرینی که کمی با فلسفه نیز آشنا بود، نیافت، ولی او نیز مورد تکفیر فتودال‌های اصفهان و قزوین واقع شد. بیشتر نوشته‌های احساسی پاسخی به مسائلی است که از طرف روشنفکران دوران اول تجدد مطرح شده است، به طور مثال او برای حل مشکل طول عمر امام حالت «هورقلیا» را مطرح ساخته است.

۱۵- برگه ۱۴۴: درباره هنری مارتین و کتاب میزان الحق او وردیه‌ها که علیه او نگاشته شده است<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> متن مقاله: - ولی.

<sup>۲</sup> مجله کاوه، شماره ردیف ۶۸، شماره سوم، سال پانزدهم، مهرماه ۲۵۳۶، ذی‌قعدة [شوال] ۱۳۹۷، سپتامبر ۱۹۷۷، برگه ۶۶-۶۸، سیاست و غزالی (دنباله نقد کتاب ۳) تألیف هانری لائوست، ترجمه مهدی مظفری، مقاله نوشته منزوی.

مجله کاوه، شماره ردیف ۶۷، شماره دوم، سال پانزدهم، تیرماه ۲۵۳۶، رجب ۱۳۹۷، ژوئن ۱۹۷۷، برگه ۷-۱۵، سیاست و غزالی (دنباله نقد کتاب ۳) تألیف هانری لائوست، ترجمه مهدی مظفری، مقاله نوشته منزوی.

مجله کاوه، شماره ردیف ۶۶، شماره یک، سال پانزدهم، فروردین ۲۵۳۶، ربیع دوم ۱۳۹۷، مارس ۱۹۷۷، برگه ۶-۱۲، سیاست و غزالی (دنباله نقد کتاب ۳) تألیف هانری لائوست، ترجمه مهدی مظفری، مقاله نوشته منزوی.

<sup>۳</sup> نک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱، ۵۲۲؛ ج ۶، ۲۵۷؛ ج ۱۰، ۲۱۴، ۲۳۱؛ ج ۱۲، ۲۸۶؛ ج ۱۶، ۲۰۳، ۳۸۴؛ ج ۲۱: شماره ۵۴۲۲؛ ج ۲۲، شماره ۷۷۷۸ دیده شود.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۶

جالب توجه است که در همین عصر چند کتاب دیگر در دفاع از اسلام به نام مؤلفانی یهودی تازه مسلمان شده چاپ و پخش شده است<sup>۱</sup>.

**۱۶- برگه ۱۶۸:** مؤلف محترم داستان هجوم وحشیانه سعودی‌ها را بر کربلا و نجف و ویران کردن هنرکده‌های مذهبی آن سامان را با سنی‌زدگی نقل نموده است.

او از عباس عزاوی مؤلف العراق بین الاحتلالین که مدرک کار مؤلف ما (الگار) بوده، و خود به گرایش شونیزم عربی و وهابی‌گری شهرت داشته نیز تندتر رفته است. آقای الگار این عمل وحشیانه را مبارزه با اعمال شرک‌آلود و بت‌پرستی نامیده است. برای این هجوم وحشیانه کتاب ماضی النجف و حاضرها (ج ۱، ۲۳۴) و منتظم ناصری (ج ۳، ۷۸) دیده شود.

**۱۷- برگه ۱۲۸:** مؤلف از رفتار امیرکبیر که مثل میرزا آقاسی، در گسترش نظارت سازمان‌های دولتی و گسترش «دادگاه‌های عرف» به ضرر «دادگاه‌های شرع» کوشید انتقاد نموده، کار میرزا آقاسی را ناشی از تصوف او و کار امیرکبیر را بی‌هیچ ادراک کامل، توصیف می‌کند. در صورتی که گسترش نفوذ دادگستری و کوتاه کردن فتوادل‌هایی که برخلاف شرع دست به قضاوت و اجرای حدود زده و با گسترش آموزش و پرورش، و صنعتی‌شدن، و ایجاد راه آهن، مبارزه می‌کرده‌اند از افتخارات امیرکبیر است. روحانی نامیدن چنین فتوادل‌ها و قراردادن ایشان در ردیف روحانیون عالی‌قدری که با مردم کوچه و بازار هم‌کاری کرده مشروطیت را تأسیس کردند، گذشته از این که جنبه علمی ندارد، سوءظن یک ایرانی را نسبت به نظریات مؤلف تحریک می‌کند، مگر نه یکی از ایشان بود که تبریز را به روس‌ها تحویل داد و سپس با ایشان به قفقاز رفته حقوق بگیر آنان شد؟ (برگه ۱۳۳).

**۱۸- برگه ۱۹۱-۱۹۳ و ۲۲۰ تعزیه:** آقای الگار درباره این هنر مذهبی ریشه‌دار ایرانی خیلی سنی‌مآبانه قضاوت کرده است، آن را ساختگی! ناسازگار با شریعت! نامیده و تأیید ناصرالدین شاه آن را «سوء مذهب»! خوانده، هنر نقاشی و پیکرتراشی و نمایش سه بعدی را (برگه ۲۵۴) تمایلات بت‌پرستانه (برگه ۲۲۲) اهانت به روح اسلام! (برگه ۲۲۳) خوانده است.

<sup>۱</sup> نک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲، ۴۵۲؛ ج ۲۰، ۱۵۲؛ ج ۲۵، ۵۹-۶۱.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۷

دشمنی با تعزیه را شونیست‌های عرب زیر پرچم تسنن علم کرده و برخی ایرانیان سُنت‌گرا نیز زیر عنوان اتحاد اسلام از آنان پیروی کرده‌اند. نقشه شونیستی پان عربیست‌ها و نیت مذهبی سُنت‌گرایان ایرانی قابل فهم است؛ لیکن نظر مؤلف این کتاب که یک خاورشناس انگلیسی است، به سختی قابل تفسیر است.

چرا تفاوت مذهبی و نقاشی ایقون‌ها برای اروپاییان هنر است و برای ما سوء مذهب؟  
تفاوت مذهبی از زمان آل‌بویه جزو مذهب تشیع بوده است.

نقاشی را ثعالبی در یتیمه الدهر جزو صفات ذمیمه شیعه شمرده است.

شیخ طوسی (د: ۴۶۰ق) و طبرسی (د: ۵۴۸ق) تحریم پیکره تراشی را بدعت سُنیان دانسته‌اند. (نک: تفسیر آیه ۵۱ سوره بقره).

**۱۹- برگه ۲۲۳:** اعتراض مؤلف بر توقیر اغراق‌آمیز ناصرالدین شاه از امامان شیعه، مانند اعتراض سُنیان بر عقیده عصمت چهارده معصوم رنگ روشنفکرنمایی به خود گرفته است. سُنیان نیز خود عصمت شدید مادی را برای یکی از چهارده تن پایه‌گذاری کرده‌اند، عصمت رقیق و معنوی سیزده تن دیگر را از خرافات شیعه می‌شمردند، گویی خرافه بودن عصمت بستگی به شماره معصومان دارد!

**۲۰- برگه ۲۲۳ عیدها:** مؤلف محترم، بر رسمیت‌دادن اعیاد شیعه اعتراض می‌دارد گویی مؤلف فراموش کرده‌اند که بیشتر اعیاد اسلامی که بیرونی در آثار الباقیه یاد کرده شیعی هستند و همگی از بدعت‌های تمدن ایرانی است و عرب‌های سُنی کم‌کم و با مقاومت سخت از شیعیان واگرفته‌اند چنان که عید تولد پیغمبر را نیز سُنیان تا قرن هشتم بدعت می‌شمردند. گویی مؤلف محترم توجه ندارند که ملت ایران اول شیعه است و بعد مسلمان! و به همین سبب چشمه علم و فلسفه اسلام که پس از غزالی در همه کشورهای سُنی خشکید، در ایران جریان داشت و سلسله زرین فلاسفه، هم‌چون نصیر طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، جمشید کاشانی (۷۹۰-۸۳۲ق / ۱۳۸۸-۱۴۲۹م)، صدر ترکه (ک: ۸۵۰ق)، محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق)، دشتکی‌ها، داماد (۹۷۰-۱۰۴۱ق)، ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۴۵ق)، نراقی و ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹) ادامه یافت که مانند ایشان را در آسیای صغیر و شمال آفریقا نمی‌یابید! شاید بتوان ارتباطی میان آن عیدها و این سلسله پیدا کرد.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۸

۲۱- برگه ۲۴۳: مؤلف محترم سخن اعتماد السلطنه را که «عدل عمری» به سپهسالار نسبت داده، اعتراف دشمن شمرده است، ولی گمان نمی‌کنم مقصود اعتماد السلطنه از عدل عمر صفت مدح بوده باشد تا اعتراف به شمار آید؛ زیرا که در اصطلاح مردم ایران، این کلمه کنایت از علمی است که به ظاهر عادلانه و در واقع ظلم و غیر انسانی باشد. به خاطر دارم پدرم را که سخت‌ترین پرخاش و ناسزا که به فرزندانش می‌گفت، آن بود که پسرش را عمر و دخترش را عایشه خطاب می‌کرد.

۲۲- فصل یازدهم کتاب (برگه ۲۵۷ - ۲۸۵) دو پیشگام دگرگونی ملکم و جمال، این دو مرد آزادی خواه، ولی پرمدعا و مغرور بودند که در غریبی لاف‌های گزاف زدند تا پان اسلامیت‌های ترک و ایرانی را به خودشان امیدوار ساختند، ولی ظاهراً ارمنی‌زاده بودند ملکم، مانعی برای استفاده از وی شد (برگه ۲۸۳) برخلاف جمال که نه تنها ملیت خود را تغییر داد، بلکه معاونش ابوتراب عارف ساوجی را نیز «عارف افندی» کرد<sup>۱</sup> و علناً به اسلام زیر پرچم عثمانی دعوت کرد (برگه ۲۸۱) و همین اشتباه او باعث شکست دعوتش در ایران شد<sup>۲</sup>. پایه تحصیلات جمال شیعی - ایران بود، او در نطق استانبول (برگه ۲۷۱) و در پاسخی که در پاریس به رنان داد (برگه ۲۷۴) نبوت را با دیده فارابی و ابن سینا تفسیر کرده است. از این رو، آقای الگار که با عینک سنی می‌نگرد آن‌ها را ضدّ دین و متناقض با نوشته‌هایش در عروة الوثقی می‌داند (برگه ۲۷۴). این درست است که جمال در عروة الوثقی سنی‌مآبانه نوشته و از سخنان استانبول و پاریس دور است، ولی سخنان پاریس و استانبول وی «فارابی سینایی» و شیعی است، نه ضدّ دین!

ناصرالدین شاه، جمال را به ایران دعوت کرد (برگه ۲۷۶) تا شاید از روحانیت فلسفی او همان استفاده را کند که فتحعلی شاه از احمد احسایی (بند ۱۴) توقع داشت، ولی جمال مانند احمد نبود. جمال دل‌باخته پان اسلامیزم مذهبی بود، چیزی که سید مرتضا (د: ۴۳۶ق) زیر بار آن نرفته و نادر شاه نتوانسته بود آن را بر ملت ایران تحمیل کند (بند ۱۰).

**آشتیانی در جواب یک پان اسلامیزم گفته بود:** رهبری ابوبکر، عمر و عثمان پذیرفتنی نیست (برگه ۳۲۲).

پس از رفتن جمال به ترکیه پان اسلامیزم مذهبی وی به صورت سیاسی و زیر پرچم ترک‌ها درآمد و در ایران محکوم شد.

۱ نک: ذریعه، ج ۲۴، ۴۳۳.

۲ نک: ذریعه، ج ۲۴، ۲۳.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۱۹

ده سال پس از مرگ جمال، مشروطیت ایران شیعی و مستقل از خلافت اعلام شد، ولی باز هم اضافه بر علمای عراق که برخی از ایشان که پول تلگراف‌های خود را نیز از عثمانی می‌گرفتند (برگه ۳۱۷)، در خود ایران نیز جمال پیروانی چون شیخ‌الرئیس قاجار (د: ۱۳۳۶ق) داشت که در رساله اتحاد اسلام، چ. بمبئی ۱۳۱۲ علناً از اتحاد زیر پرچم عثمانی دم می‌زد. پس از سقوط عثمانی که پان‌اسلامیزم از دست ترک‌ها به دست عرب‌ها افتاد، در ایران به صورت رقیق‌تر سنی‌گرایی ادامه یافت، در میان آخوندهای قم و مشهد سنی‌گرایی، توعی تجدد و روشنفکری به شمار می‌آمد.

حاج ابوعبدالله زنجانی (د: ۱۳۶۰ق) و شریعت سنگلجی از پرچم‌داران سنی‌گرایی در ایران بودند.

احمد کسروی در آغاز کارش سنی‌گرایی داشت و فقط هنگامی که شونیزم شدید عرب، کتاب التشیع و الشیعة او را با بی‌اعتنایی تلقی کرد، کسروی ناچار به فارسی سره‌نویسی پرداخت و تسنن و تشیع را با هم کوپید و «ورجاوند بنیاد» را پایه نهاد.

**۲۳- برگه ۲۹۴:** در مورد نامه میرزا حسن شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ق) به ناصرالدین شاه (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ق)، یادآور می‌شوم که در کتابچه تاریخ دخانیه تألیف حاجی علی پدر صاحب ذریعه<sup>۱</sup>، بقیه در صفحه ۱۴.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> تاریخ دخانیه تألیف، حاجی علی (۱۲۵۰ - ۱۳۲۴ق) پدر صاحب ذریعه فرزند محمدرضا فرزند محسن تهرانی، دست‌نویس آن نزد حاج شیخ آقابزرگ تهرانی فرزندشان بود و اکنون در کتابخانه مجلس است (ذریعه، ج ۳، ۲۵۲، شماره ۹۳۸).

<sup>۲</sup> مانده مقاله در این شماره برگه‌های پیش و پس از این مقاله و نه در مجله وحید، شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، نیمه دوم مرداد ۱۳۵۸ یافت نشد.

## کتابنامه

## نمایه کتاب و مقاله

- انقراض صفویه، لارنس لکهارت، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، ۱۳۴۴خ؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰خ.
- تاریخ دخانیه تألیف، حاجی علی (۱۲۵۰-۱۳۲۴ق) پدر صاحب ذریعه فرزند محمدرضا فرزند محسن تهرانی، دست‌نویس آن نزد حاج شیخ آقابزرگ تهرانی فرزندشان بود و اکنون در کتابخانه مجلس است (ذریعه، ج ۳، ۲۵۱، شماره ۹۳۸).
- التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی محمد فرزند حسن (۳۸۵-۴۶۰ق / ۹۹۵-۱۰۶۸م)، به کوشش علی آقا شیرازی و عبدالرسول روغنی‌زاده اصفهانی، چاپ سنگی، ۱۳۶۵ق؛ تصحیح احمد شوقی و احمد حبیب قصیر، مقدمه آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، داراحیاء التراث العربی، قم، ۱۴۰۹ق.
- تحریر المجلة، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، نجف، ۱۳۵۹-۱۳۶۲ق.
- ترجمة أبي مسلم المروزي، رساله ضد ابومسلم، عبدالرحمان فرزند مسلم خراسانی (ک: ۱۳۷ق)، نوشته محمد فرزند محمد موسوی میرلوحی (ز: ۱۰۶۰ق). نک الذریعة، ج ۴، ۱۵۰.
- التشیع و الشیعة، احمد کسروی حکم‌آبادی (۱۲۶۹-۱۳۲۴خ)، چاپ تهران.
- الجامع الناصري، علی فرزند محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی (د: ۱۳۱۵ق)، نک: الذریعة، ج ۵، ۷۵، شماره ۲۹۰.
- الحقایق الراهنة، الحقائق الراهنة فی أعیان المائة الثامنة، طبقات أعلام الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲-۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵م.
- خراجیه، شش کتاب در رابطه با خراج. نک: ذریعه، ج ۷، ۱۴۴.
- دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار، پرفسور حامد الگار، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، انتشارات نوس، ۱۳۵۶ در ۳۶۸ برگه.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۲۱

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث، البائیه الحميریه - التحیه المبارکة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷ خ / ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني، الأساری و الغلول - ایوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني و العشرون، المقالید - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائریه - سیه کاران، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ خ / ۱۳۸۰۶ ق / ۱۹۶۲ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبین - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م؛
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - یهو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس، ثابت نامه - چینی سازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۳ خ / ۱۳۶۳ ق / ۱۹۴۴ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائیبه - نیه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۲۲

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب بازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائریات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- رسالة اتحاد اسلام، شیخ الرئیس قاجار (د: ۱۳۳۶ ق)، چ بمبئی، ۱۳۱۲ ق.
- طبقات أعلام الشيعة، الحقایق الراهنة، الحقائق الراهنة في أعيان المائة الثامنة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵ م.
- العراق بین الاحتلالین، عباس عزاوی (۱۸۹۰ - ۱۹۷۰ م)، مطبعة بغداد، ۱۹۳۵ م؛ دارالعربیة للموسوعات، ۲۰۰۴؛ قم، مكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ خ.
- عقائد المسلمین، محمد فرزند محمدجعفر سریزدی غازی ذوالریاستین (د: ۱۳۱۲ ق). نک: ذریعه، ج ۱۵، ۲۸۵، شماره ۱۸۶۱.



دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۲۳

الفرق بين الفرق و بيان فرقة الناجية منهم، عبدالقاهر فرزند طاهر فرزند محمد اسفراينى بغدادى (د: ۴۲۹ق)، تصحيح محمد بدر، قاهره، ۱۹۱۰م / ۱۳۲۸ق؛ چاپ ديگر: تصحيح محمد الكوثرى، قاهره، ۱۹۴۸م؛ دارالآفاق بيروت، ۱۹۷۷م؛ برگردان محمدجواد مشكور، ۱۳۳۰خ؛ دارالجيل، بيروت، لبنان، ۱۹۸۷م / ۱۴۰۸ق.

کتاب ماضى النجف و حاضرها، جعفر فرزند باقر آل محبوبه ربيعى نجفى (۱۳۱۴ - ۱۳۷۷ق)، دارالأضواء، بيروت، ۱۹۵۶م؛ صيدا، مطبعة العرفان، ۱۳۵۳ق.

المآثر و الآثار، اعتمادالسلطنه محمدحسن فرزند على (۱۲۲۲ - ۱۲۷۵خ)، چاپ سنگى، تهران؛ قطع رحلى، تهران، ۱۳۵۵خ.

مجله عروه الوثقى، جمال الدين اسدآبادى (۱۲۱۷ - ۱۲۷۵خ)، پاریس،

مجله کاوه، شماره رديف ۶۶، شماره يك، سال پانزدهم، فروردین ۲۵۳۶، ربيعه دوم ۱۳۹۷، مارس ۱۹۷۷، برگه ۶ - ۱۲، سياست و غزالي (دنباله نقد کتاب ۳) تأليف هانرى لائوست، ترجمه مهدي مظفرى، مقاله نوشته منزوى.

مجله کاوه، شماره رديف ۶۷، شماره دوم، سال پانزدهم، تيرماه ۲۵۳۶، رجب ۱۳۹۷، ژوئن ۱۹۷۷، برگه ۷ - ۱۵، سياست و غزالي (دنباله نقد کتاب ۳) تأليف هانرى لائوست، ترجمه مهدي مظفرى، مقاله نوشته منزوى.

مجله کاوه، شماره رديف ۶۸، شماره سوم، سال پانزدهم، مهرماه ۲۵۳۶، ذى قعدة [شوال] ۱۳۹۷، سپتامبر ۱۹۷۷، برگه ۶۶ - ۶۸، سياست و غزالي (دنباله نقد کتاب ۳) تأليف هانرى لائوست، ترجمه مهدي مظفرى، مقاله نوشته منزوى.

مجله وحيد، شماره ۲۶۰ و ۲۶۱، نيمه اول مرداد ۱۳۵۸، برگه ۷۷ - ۹۰، معرفى كتاب دين و دولت در ايران نقش علما در دوره قاجار، تأليف پرفسور حامد الكار، ترجمه دكتور ابوالقاسم سرى، انتشارات نوس، ۱۳۵۶ در ۳۶۸ برگه، دكتور على نقى منزوى.

مجله وحيد، شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، نيمه دوم مرداد ۱۳۵۸.

مجله يغما، سال ۳۰، شماره ۱، فروردین ۲۵۳۶، ربيع الاول - ربيع الثانى ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴. شرحى بر نمايشنامه سى مرغ و سيمرغ (۱)، منزوى.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره  
قاجار

۲۴

دکتر علی نقی منزوی

- مجله یغما، سال ۳۰، شماره ۹، آبان ۲۵۳۶، ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱، شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۲)، منزوی.
- مجمعُ البیان فی تفسیر القرآن، امین الاسلام فضل فرزند حسن فرزند فضل طبرسی (۴۶۸ - ۵۴۸ ق / ۱۰۷۶ - ۱۱۵۳ م)، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۳۸ خ؛ بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۷۹ ق؛ ترجمه فارسی، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۵۰ خ.
- مجمَل التواریخ و القصص، به کوشش محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۱۸ ش.
- معرفی کتاب دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار، تألیف پرفسور حامد الگار، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، انتشارات نوس، ۱۳۵۶ در ۳۶۸ برگه، دکتر علی نقی منزوی، مجله وحید، شماره ۲۶۰ و ۲۶۱، نیمه اول مرداد ۱۳۵۸، برگه ۷۷ - ۹۰.
- مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، علی فرزند اسماعیل اشعری، تصحیح هلموت ریتز، دارالنشر فراز اشناینر، بیروت، لبنان.
- مناقب الفضلاء میر محمد حسین پسر میر محمد صالح بن عبدالواسع خاتون آبادی (د: ۱۱۵۱ ق)، نسخه خطی شماره بازیابی: ۶/۵۵۰۱، شماره مدرک کتابخانه مجلس، IR10-45736.
- منتظم ناصری (ج ۳، ۷۸) دیده شود.
- میزان الحق، هانری مارتین بادری انگلیسی Henry Martyn (۱۷۸۱ - ۱۸۱۲).
- وجوب إقامة الحدود الشرعية زمن الغيبة علی المجتهد، سید محمدباقر فرزند محمد تقی گیلانی شفتی اصفهانی (د: ۱۲۶۰ ق) با آوازه حجة الإسلام. نک: الذریعة، ج ۲۵، ۳۱، شماره ۱۴۲.
- همم الثواقب که در دوران صفوی تألیف شده اند و کتبی مانند
- یتیمه الدهر، یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر؛ یا یتیمه الدهر فی شعراء أهل العصر، ثعالبی، ابومنصور عبدالملک نیشابوری (د: ۴۲۹ ق)، به کوشش علی محمد عبداللطیف، مطبعة المصاری، قاهره، مصر، ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۴ م.

## کتابنامه

## نمایه کتاب و مقاله

تذکره الشعراء میرزا صادق فرزند میرزا صالح آزادانی اصفهانی (۱۰۱۸ - ۱۰۶۱ ق) نسخه خطی مجلس. نک: فهرست ریو، ج ۲، ۷۷۵؛ ج ۳، ۸۸۹؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، ج ۳، ۲۶۶ - ۲۶۷. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، ج ۳.

*Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum by Charles Rieu. Vol. I Londdon, 1966 – 432 pp. Vol II London, 1966, pp 433 – 877. Vol III London, 1966, pp, 881 – 1229.* فهرست ریو، سه جلد.

*Supplement to the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum by Charles Rieu. Londdon, 1895. 308 pp.* ذیل فهرست ریو.

صبح صادق، میرزا صادق فرزند میرزا صالح آزادانی اصفهانی (۱۰۱۸ - ۱۰۶۱ ق) تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، ۱۳۵۶ خ. ادبیات فارسی، استوری، چ. ا.، ترجمه به روسی: ی. ا. برگل، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران، تحریر احمد منزوی، تهران، ۱۳۶۲ خ.

شاهد صادق، عباس اقبال آشتیانی، مجله یادگار، سال ۲، شماره ۴، تهران، ۱۳۲۴ خ. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۷۰ خ.

مثل های فارسی از کتاب شاهد صادق، منزوی، صادق کیا، نشریه اداره فرهنگ عامه، تهران، شماره ۲، ۱۳۳۱ خ، تذکره نصرآبادی، محمد طاهر نصرآبادی، به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران، ۱۳۱۷ ش.

دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار